

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حوزہ فرهنگے تمدنے طارم
بمركزیت دژشهر سمیران

سرشناسه: ضیاءآبادی، آرش، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: حوزه فرهنگی تمدنی طارم بمركزیت دژشهر سمیران / تألیف آرش ضیاءآبادی.
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.؛ مصور (رنگی)، جدول، نقشه (رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۸۲-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۵ - ۱۸۳.

موضوع: طارم

موضوع: Tarom (Iran)

موضوع: طارم -- تاریخ

موضوع: Tarom (Iran) -- History

موضوع: طارم -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: Tarom (Iran) -- Social life and customs

موضوع: قلعه سمیران

موضوع: Qal'eh Samiran (Qazvin, Iran)

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. واحد قزوین. سازمان انتشارات

رده بندی کنگره: DSR۲۱۰۳

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۳۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۴۴۴۷

وضعیت رکورد: فیپا

عنوان: حوزه فرهنگی تمدنی طارم بمركزیت دژشهر سمیران
تألیف: آرش ضیاءآبادی

طراح گرافیک و صفحه آرایی: مرضیه حمیدی زاده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۸۲-۳

چاپ: نوبت اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۱۱۰۰۰۰۰ ریال



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین

مصوبه شورای شـعبه
انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین
کلیه حقوق محفوظ است ©

حوزه فرهنگِ تمدنِ طارم بمرکزیت دژشهر سمیران

تألیف:

آرش ضیاء آبادی

تقریظ سید مهدی مجابی

حوزه فرهنگی - تاریخی مفهومی است محیطی که از سویی به توجیه چگونگی ظهور و گسترش فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف می‌پردازد و با ملاحظه‌ی کلیت ویژگی‌های محلی و منطقه و هویتی آنرا بررسی می‌کند و از سوی دیگر در جهت پیوستگی و اتحاد و استمرار جریان فرهنگی و تمدنی جهان تاکنون کارکرد مناسبی داشته است. رویکرد کلانی است به تنوع و گوناگونی شواهد تاریخی بجا مانده در سطوح مختلف جغرافیایی که در عین حال انسجام و یکپارچگی فرهنگ‌ها و تعامل و ارتباطات متقابل آنها را نیز تحلیل و ارزیابی می‌نماید. بدون اینکه پویایی تاریخی و سیالیت آنها را کاهش دهد. مرزها و تمایزها را می‌پذیرد و با دقت لازم مورد کاوش قرار می‌دهد، ولی هرگز تمامیت تاریخی را فراموش نکرده و اجزاء در هم تنیده و زنده را از هم جدا نمی‌کند. مرزها در این رویکرد به همان اندازه که عامل تمایزاند، موجد پیوندهای عمیق و سازواره‌ای نیز هستند. بویژه در میدان عمل که شناخت عینی و حفاظت آثار و مرمت و توسعه پایدار محیطی در کانون توجه است، راه‌حل‌هایی در جهت تعدیل تضادهای منطقی ارائه می‌دهد.

مفهوم حوزه فرهنگی تاریخی سعی دارد بر پرسش‌هایی در رابطه با چگونگی دست‌یابی عملی به راه‌حل‌های مطلوب پاسخ دهد. برای میل به این اهداف سلسله‌ای از مفاهیم مرتبط را بکار می‌گیرد چرا که یک مفهوم ساده‌ی انتزاعی نیست بلکه تبعات اجرایی و عملیاتی وسیعی دارد. به عبارت دیگر باید گفت یک نظام نظری نوین است. این نظام فکری به علل لغزش و جابجا شدن کانون‌ها و مراکز فرهنگی و همچنین به تغییرات و پایداری‌های فضای فرهنگی، تاریخی می‌پردازد. فضاهای کانونی شده مهم اصلی و فرعی تمدن را در جوار یکدیگر و در چارچوب پیوستار تاریخی واحدی قرار می‌دهد و آن را در متن پیوستارهای طبیعی، اجتماعی مرتبط بررسی می‌کند. رسیدن به این شیوه تفکر نتیجه از میان بردن فاصله بین ناظر رصد کننده و کاوشگر از سویی و صحنه‌های تاریخی از سوی دیگر است به بیان دیگر یکی شدن این دو به این نتیجه منجر می‌شود: رفتن به درون موضوع و اتحاد با آن به جای نگرستن و نظاره کردن موضوع از بیرون.

خوشبختانه اخیراً معدودی از پژوهشگران عرصه‌های تاریخی نسل جوان قدم در این راه پرنشیب و فراز نهاده‌اند و از عمرگران بهای خود در این مسیر ناهموار سرمایه‌گذاری کرده‌اند و آقای مهندس آرش ضیاء‌آبادی یکی از معدود افراد فرهیخته است که سال‌هاست در صحنه تاریخی تمدنی تارم مستقر است و با هدف شناخت و حفاظت و مرمت این کانون تمدنی مهم، واقع در فصل مشترک حوزه‌های فرهنگی تاریخی قزوین، گیلان، آذربایجان سرگرم پژوهش است. نتایج حاصل از سعی و تلاش ایشان در چارچوب نظریه حوزه‌های فرهنگی تمدنی می‌تواند به بالندگی بیشتر این نظریه کمک کند.

زیرا حوزه تارم نمونه بارزی از همپوشانی چند حوزه تمدنی را در معرض دید پژوهشگران قرار می‌دهد و ویژگی‌های موقعیتی و فضایی آنها را در اکوسیستمی کوهستانی بررسی می‌کند. بالاخره نظریه‌ای را که در گذشته در مطالعات با نمونه قزوین آغاز شده بود را غنی‌تر می‌کند. امید است که تلاش‌های ایشان با تمام دشواری‌ها و سختی‌هایی که دارد در آینده ادامه یابد و سایر پژوهشگران حوزه فرهنگی - تاریخی قزوین و حوزه‌های همجوار آن نیز از این روش پویا بهره‌برداری کنند. برای ایشان و همکاران محترم موفقیت‌های بیشتری را آرزو می‌کنم.

سید مهدی مجابی

تقریظ سید محمد بهشتی

سازمان یونسکو، بیش از دو دهه است که اصطلاح کالچرال لندسکیپ را برای اطلاق به میراثی که باید الزاماً در «زمینه» شان دیده و حفاظت شوند استخدام کرده است. تا پیش از آن، وقتی درباره اثری از میراث ملموس جهانی، همچون اهرام مصر و یا تخت جمشید، صحبت می‌شد، منظور خود اهرام مصر یا تخت جمشید بود؛ یعنی اثر فارغ از زمینه‌اش. به همین دلیل آثاری که تا آن زمان در فهرست میراث جهانی ثبت شد، فارغ از زمینه استقرارشان بودند. وقتی رفته‌رفته توجه به متن اثر جدی شد، این اندیشه شکل گرفت و مکرر مطرح شد که برای ثبت آثار باید به منظر فرهنگی آنها نیز توجه کرد و باید آثار را به مثابه بخشی از سیاقی بزرگتر که حاصل تعامل آدمی و محیط است، دید. در بدو امر بیشتر منظر طبیعی و یا در واقع مرتبه طبیعی سیاقی هر اثر مراد بود لیکن این نظرگاه به تدریج وسعت پیدا کرد، پیرامون آن مباحث مختلفی شکل گرفت که نتیجه آن بسط معنی زمینه بود. اگر تا پیش از این هر اثر در متنی سپید درک می‌شد که وقوعش در جایی از سرتافاق است و مطالعه زمینه کمکی به درک آن نمی‌کند، با طرح اصطلاح منظر فرهنگی، بر آن شدیم که اگر چیزی در جایی واقع است، بی‌علت نیست. به این ترتیب امری مهم‌تر و فراتر از توجه به زمینه روی داد؛ و آن درک اهمیت «جای» آثار بود. بدون درک این «جای» راه به شناخت آثار بر ما گشوده نیست. بیراه نیست اگر بگوییم منظر فرهنگی با تأکید بر اهمیت سیاقی آثار، عملاً حکایت از تغییر موضعی ژرف می‌کند؛ تغییر موضع «شناخت» به «بجا آوردن».

«جای» در زبان فارسی مفهومی عمیق‌تر از محل وقوع دارد. تمثیل و مثل‌های بسیاری که در زبان روزمره «جای خود را باز کرده»، هر کدام به نحوی به این اهمیت و عمق اشاره دارد. مثلاً در مذمت کسی که سخن نسنجیده می‌گوید معمولاً می‌گوییم «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» و یا در تشویق به موقع و مناسب رفتار کردن می‌گوییم «هر چیز به جای خویش نیکوست». سخن «بیجا» سخنی است که پیوند درست و متناسبی با سخنان قبل و بعد از خود ندارد و یا به طور کلی هماهنگ با سیاق کلی بحث و موقعیت بیانش نیست. گویی جای صحیح هر چیز را موضوعات مختلفی که به نوعی در پیوند با آن موضوع قرار دارند تعیین می‌کند و بجایی و نابجایی در ارتباط میان یک موضوع با موضوعات هم‌پیوندش است که معنی پیدا می‌کند. در همین سیاق است که از «شناخت» نیز تعبیر به «بجا آوردن» می‌کنیم؛ این یعنی «بجا آوردن» موکول به درک و فهم آن موضوع به مثابه جزئی از یک واقعیت بزرگتر و کلی‌تر است و نه در گرو جزء‌نگری و جدا کردن آن از باقی موضوعات. در چنین نگاهی جهان واجد هندسه‌ای ذومراتب، ذوجه، ذومقیاس و در عین حال یکپارچه است که در آن هر چیز «جایی» دارد و در این جای در سرنوشت کل ایفای نقش می‌کند. اصلاً در چنین تصویری از جهان است که «عدل» در مفهوم «هر چیز بر جای خود» با معنی می‌شود. در مقابل عدل، «ظلم» است که با «ظلمت» هم ریشه است. بنابراین گویی نتیجه و قوف به جایگاهها به نوعی احساس به سر بردن در روشنایی است. در عوض «بجا نیآوردن» احساسی شبیه به قرار داشتن در تاریکی است.

مدتی است که در مواجهه با محوطه‌ها و آثار تاریخی همچون کسانی هستیم که در تاریکی قرار دارند؛ کورمالانه و از راه حس لامسه سعی در درک اجزا و عناصری داریم که به زعم ما به تصادف این طرف و آنطرف افتاده است و وقوعش در «جایی» معنی دار نیست. از همینرو پرسش از اینکه جایی «کجاست؟» پرسش ناموجهی به نظر می‌آید. درحالیکه قدم اول خروج از تاریکی همین پرسش است؛ «طارم کجاست؟» و در پاسخ به آن باید از همه آن اختصاصاتی سخن گفت که باعث می‌شود ما درکی روشن و متمایز از طارم بیابیم. به عبارت دیگر برای پاسخ به این پرسش دانستن میزان بارندگی سالیانه، جهت غالب وزش باد، نوع پوشش گیاهی و جانوری، مصالح ساختمانی، نوع اقتصاد معیشتی و نظایر این هرچند لازم است ولی کافی نیست. این مثل وقتی است که در برابر اظهار آشنایی یک شخص در خیابان، هرقدر تلاش می‌کنیم موفق نمی‌شویم «او را بجا آوریم». مسلماً او برای کمک به ما هرقدر از مشخصات ظاهری و فیزیکی خود مثل طول قد، سن، وزن و یا شماره شناسنامه‌اش بگوید در این راه به ما کمکی نکرده است. چون ای بسا کسان دیگری هم باشند که عین همین ویژگی‌ها را داشته باشند. تلاش ما برای درک «کیستی» او وقتی به نتیجه می‌رسد که موفق شویم جای متمایز او را در ارتباط با همه کسان و موقعیتهای هم‌پیوندش تشخیص دهیم و بفهمیم او در سرگذشت و سرنوشت ما چه نقشی ایفا کرده است.

به همین ترتیب همه مشخصاتی که برشمردیم ممکن است باعث نشود که ما طارم را «بجا آوریم»؛ یعنی آن را با جای دیگری اشتباه نگیریم. چرا که چه بسا جاهای دیگری را روی کره زمین بتوان یافت که در همه این مؤلفه‌های کمی و کارکردی شبیه طارم باشد. در واقع «بجا آوردن» وقتی به‌تمامه دست می‌دهد که سبب شود ما راه به خصوصیات یگانه یکجا بریم. در این مسیر البته باید از همه نشانه‌ها و شواهد کمک بگیریم. طارم کجاست که دژ سمیران در آن واقع شده، طارم کجاست که از عصر مس تا دوران اسلامی به تناوب در آن آثاری از زندگی پیدا شده است و پرسش‌هایی نظیر این، کمک می‌کند که ما نسبت به آن درروشنایی قرار بگیریم و نقش بی‌بدیل طارم را همچون اندامی از پیکره‌ای واحد که ایران می‌نامیمش بجا آوریم.

به زعم بنده کتاب پیش رو که حاصل بیش از پانزده سال نگاه پژوهشگرانه مدیر پایگاه سمیران است تتبع پدافنده‌ای نسبت به منطقه دارد و بسیاری از مقدمات و مستندات لازم را که برای «بجا آوردن» محیط طارم ضروری است، مهیا کرده است؛ به سهم خود از تلاش جناب آقای آرش ضیاءآبادی قدردانی می‌کنم و امید دارم که این پژوهش آغاز راهی باشد که عاقبت ما را به درک کجایی طارم راهبر شود.

سید محمد بهشتی

پیشگفتار

در آغاز سخن باید اذعان داشت: تعریف مقوله‌هایی از این دست بسیار دشوار است اما به نظر بنده می‌توان با اندکی تسامح گفت: «تمدن عبارت است از مجموعه‌ای حاصل از فعالیت‌های ذهنی آدمی که تدبیر و تسهیل کننده جهات گوناگون زندگی جمعی و سازنده شخصیت و هویت آحاد یک ملت یا جامعه در مقطع تاریخی و منطقه جغرافیایی مشخص باشد.» هر تمدنی مبتنی بر پیشینه‌های تاریخی، اجتماعی و پیشگمانه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی خاص؛ و مشتمل بر فرهنگ و ادب، رسوم و آداب، هنر و ادبیات و نظامات اجتماعی مخصوص به خود می‌باشد. به بیان دیگر: هر حوزه تمدنی تالیفی از دو دسته مولفه می‌باشد: مولفه‌های نرم‌افزاری و مولفه‌های سخت‌افزاری، مبانی فلسفی و قواعد و مفاهیم انسانی بخش نرم‌افزاری آن، و صنعت و معماری بخش سخت‌افزاری آن بشمار می‌رود. هر تمدن روحی دارد و جسمی، مانند یک موجود زنده دارای ادوار رویانی و طفولیت، بلوغ و جوانی، کهولت و فتور است. می‌توان گفت: تمدن وجه سخت‌افزاری فرهنگ و فرهنگ وجه نرم‌افزاری آن است اما دشوار است تعیین تقدم و تأخر دائم و تعریف نسبت ثابتی میان مقولاتی چون: تمدن، فرهنگ و فن‌آوری و... چرا که گاه نوعی فرهنگ، آداب و هنر و فن‌آوری در پی ظهور یک نوع تمدن پدید می‌آید، کما اینکه گاه نوعی فرهنگ و آداب نیز می‌تواند منجر به پیدایش نوعی تمدن گردد. لہذا باید پرسید میان فلان تمدن با فلان فرهنگ چه نسبتی است؟ تا پرسش امکان پاسخ یابد.

بر اساس این تفکر مجلد حاضر ضمن معرفی حوزه فرهنگی تمدنی طارم و ویژگی‌های منطقه، سعی بر تبیین جایگاه ویژه و مهجور مانده‌ی آن در سیر تحولات تاریخی فلات ایران را داشته که این امر بر من میسر نبود مگر با هدایت و راهبری زنده یادانی چون منوچهر ستوده، سید محمد دبیرسیاقی، ایرج افشار و اساتید و سرورانی چون سید مهدی مجابی، سید محمد بهشتی، عنایت‌ا... مجیدی، محمد میرشکرائی، پیروز حناچی، مرتضی رضوانفر، حمیده چوبک، نوروز زاده چگینی، هاید لاله و باهمکاری جمعی چند ده نفره از کارشناسان رشته‌های مرتبط بصورت همزمان و گروهی در عرصه میدانی که در اینجا سپاس‌گذار جمیع این عزیزان می‌باشم.

این مجلد را ضمن تقدیم به مردم متمدن و فرهنگ دوست طارم اهدا کنم به خانواده عزیزم که در این مدت حامی و همراه اینجانب بودند و در نهایت سازمان میراث فرهنگی استان که زمینه فعالیت و حضور تمامی گروه را در این بازه زمانی پانزده ساله فراهم نموده و همواره حامی معنوی اینکار بشمار می‌آمده است.

فهرست

مقدمه	۱
فصل ۱؛ محیط کالبدی - طبیعی	۳
۱-۱ شناسایی بستر طبیعی و چگونگی شکل‌گیری منطقه طارم	۵
۲-۱ حدود حوزه فرهنگی - تاریخی طارم	۶
۳-۱ اوضاع طبیعی طارم	۷
۱-۳-۱ زمین‌شناسی منطقه فرهنگی - تمدنی طارم	۸
۲-۳-۱ ویژگی‌های مهم زیست محیطی و جلوه‌های طبیعی	۱۱
۳-۳-۱ ناهمواری‌ها و سیمای فضای طبیعی منطقه طارم	۱۸
۴-۱ وضعیت اقلیمی طارم	۱۹
۱-۴-۱ نقش ارتفاعات در اقلیم طارم	۲۰
۵-۱ ویژگی‌های مؤثر در هویت فرهنگی - تاریخی طارم	۲۰
۶-۱ جغرافیای انسانی منطقه طارم	۲۱
۱-۶-۱ دهستان‌ها	۲۲
۲-۶-۱ زبان و قومیت	۲۳
۳-۶-۱ شیوه معیشت	۲۳
فصل ۲؛ محیط کالبدی - تاریخی	۲۵
۱-۲ شناسایی نمادها و نشانه‌ها	۲۷
۱-۱-۲ نقش سیاسی - اجتماعی نشانه‌ها در شکل‌گیری منطقه طارم	۲۷
۲-۱-۲ ضرورت دریافت نمادها و نشانه‌های شکل‌گیری منطقه از طریق فعالیت‌های علمی باستان‌شناختی	۳۰
۲-۲ محورهای هویتی طارم	۳۲
۱-۲-۲ عناصر و نشانه‌های معماری بومی و نقش آن در سیمای منطقه طارم	۳۲
۲-۲-۲ صنعت در طارم (صنایع دستی)	۳۷
۱-۲-۲-۲ صنایع دستی قوم چموشگزک در منطقه فرهنگی - تمدنی طارم	۳۸

- ۲-۲-۲ صنایع دستی عشایر روستای کلج (کلج اوباسو «kallaj Obaso») ۴۲
- ۲-۲-۲ دست بافته‌ها: قالی بافی در سراسر منطقه طارم ۴۶
- ۲-۲-۲ خورجین ۵۶
- ۲-۲-۲ نشانه‌های فرهنگی - تاریخی مؤثر در خوانایی منطقه طارم ۵۷
- ۲-۲-۳ بیان جغرافیای فرهنگی منطقه طارم ۵۸
- ۲-۳-۲ بیان جغرافیای تاریخی منطقه تمدنی طارم ۷۶
- ۲-۲-۴ گردشگری، صنعتی پایه برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، ظرفیت‌ها و جاذبه‌ها ۷۸
- ۲-۲-۴ بوم گردی و جاذبه‌های طبیعی در منطقه طارم ۷۹
- ۲-۲-۴ جاذبه‌های تاریخی در منطقه طارم ۸۲

فصل ۳: محیط کالبدی - تاریخی ۸۵

- ۳- محیط کالبدی - تاریخی (محیط مصنوع) ۸۷
- ۱-۳- شکل‌گیری محیط مصنوع: بررسی ابعاد فضایی و توسعه تاریخی منطقه طارم ۸۷
- ۱-۳-۱- قلمرو باستانی طارم در مادستان ۸۷
- ۱-۳-۲- سلوکیان (۳۱۲-۲۸۱ ق.م) در منطقه طارم ۸۸
- ۱-۳-۳- ساسانیان در منطقه طارم (اردشیر و شاپور اول) ۸۹
- ۱-۳-۴- ظهور اسلام (طاهریان) ۸۹
- ۱-۳-۵- آل بویه (دیلیمان) عضد الدوله دیلمی (۳۲۰-۳۷۲ ه.ق) (۹۳۲-۹۸۲ م) ۹۰
- ۱-۳-۶- سلجوقیان ۹۱
- ۱-۳-۷- اسماعیلیان ۹۲
- ۱-۳-۸- ایلخانیان ۹۲
- ۱-۳-۹- تیموریان و جانشینان آن‌ها ۹۳
- ۲-۳- سیر تحول توسعه تاریخی طارم با تأکید بر آثار برجای مانده از محوطه‌های باستانی ۹۴
- ۱-۲-۳- محوطه باستانی مسی‌کان (عصر آهن) ۹۸
- ۲-۲-۳- محوطه باستانی تیمور گوزه لری (عصر آهن) ۹۹
- ۲-۲-۳- محوطه باستانی گور قلعه سی (عصر آهن - دوره دوم اشکانی) ۱۰۰

- ۱۰۲..... ۳-۲-۴- محوطه باستانی گول باشی (اشکانی)
- ۱۰۲..... ۳-۲-۵- محوطه باستانی تشویر (اشکانی - ساسانی)
- ۱۰۴..... ۳-۲-۶- محوطه باستانی سیل در (اشکانی - اسلامی «قرون ۸-۶-۵ ق»)
- ۱۰۵..... ۳-۲-۷- دژ شهر سمیران
- ۱۰۷..... ۳-۲-۷-۱- معماری دژ سمیران
- ۱۱۶..... ۳-۲-۷-۲- نظام طبقات اجتماعی در دژ شهر سمیران برگرفته از یافته‌های باستان‌شناسی
- ۱۳۶..... ۳-۲-۷-۴- برج مقبره بزرگ
- ۱۳۹..... ۳-۲-۷-۵- برج مقبره کوچک
- ۱۴۵..... ۳-۲-۷-۶- آرامگاه کوچک
- ۱۵۰..... ۳-۲-۷-۷- آرامگاه سنگی با کتیبه کوفی
- ۱۵۲..... ۳-۲-۷-۸- گورستان‌های شمالی، غربی و شرقی شهر سمیران
- ۱۵۵..... ۳-۲-۷-۹- گورستان گبری
- ۱۶۲..... ۳-۲-۷-۱۰- پل قدیمی
- ۱۶۳..... ۳-۲-۷-۱۱- شبکه راه سمیران
- ۱۶۵..... ۳-۲-۷-۱۲- کانال سفالی آب سمیران (شبکه آب‌رسانی)
- ۱۶۸..... ۳-۲-۷-۱۳- حصارهای تدافعی شهر سمیران
- ۱۷۳..... ۳-۲-۷-۱۴- مناره شهر سمیران
- ۱۷۵..... منابع

مقدمه

پژوهش و معرفی منطقه طارم که به منزله وجود منابع پراهمیت فرهنگی - تمدنی در این نقطه صورت پذیرفته است، از سال ۱۳۷۶ در پی ثبت مجموعه آثار دژ سمیران در فهرست آثار ملی کشور در ذهن نگارنده شکل یافته است، و از همان زمان اهداف پژوهش جهت شناخت، حفاظت، احیاء و باززنده سازی هر چه بیشترین مجموعه مشخص گردید. از این لحاظ در طی این مدت با مد نظر قرار دادن رویکردی تحلیلی، تمامی موضوعات در سه مقیاس کلان، میانی و خرد و نیز در دو حوزه مکتوب و میدانی به صورت میان رشته ای مورد بررسی قرار گرفت. با دسته بندی داده ها، تدوین راهکارها و برنامه ریزی مدیریتی در پژوهش حاضر تلاش گردید تا بر مبنای فرضیات مختلف علمی در حوزه های علومی هم چون جغرافیا، تاریخ، مردم شناسی، باستان شناسی، معماری و مرمت، و نیز با توجه به ضعف پیشینه مطالعاتی و مکتوبات موجود، بررسی و مستند نگاری و هم چنین تحلیل داده های میدانی به منزله ارائه ادله علمی به جهت اثبات جایگاه ویژه و منحصر به فرد این منطقه از منظر فرهنگی و تمدنی با دقت هر چه بیشتر صورت پذیرد.

هم چنین می توان اذعان داشت، از آن جایی که از اواخر سال ۱۳۴۹، اکثر پژوهش ها و کاوش های علمی صورت گرفته در قزوین، در دشت بوئین زهرا متمرکز بوده و سهم مناطق کوهستانی و علی الخصوص منطقه طارم سفلی که در میانه رشته کوه های البرز و در سمت شمال غرب استان قزوین واقع شده است، و به لحاظ موقعیت اقلیمی و جغرافیایی شرایط زیست محیطی مناسب جهت شکل گیری استقرارهای تمدنی در گذشته را دارا می باشد، بسیار ناچیز تشخیص داده می شود؛ لذا پژوهش در خصوص این منطقه فرهنگی - تمدنی امری ضروری جلوه می نماید. از آن جا که منطقه سمیران به عنوان مرکز این حوزه فرهنگی - تمدنی که در بخش طارم سفلی در قزوین متمرکز بوده است، با در داشتن قلعه پراهمیت سمیران به عنوان یک مکان پراهمیت تدافعی که سازه های آن را به دوران پیش از اسلام نسبت می دهند، و نیز سایر قلاع موجود در منطقه که به آل بویه منسوب می باشد، می تواند دلیلی بر اهمیت این حوزه فرهنگی و ضرورت پژوهش در آن به شمار آید. لذا با پرداختن به عناوینی هم چون محیط کالبدی - طبیعی، محیط کالبدی - اجتماعی و محیط کالبدی - تاریخی، تمامی ابعاد پراهمیت منطقه از منظر فرهنگی - تمدنی در چهار فصل مورد معرفی قرار گرفته است.

در این راستا باززنده سازی مجموعه امامزاده که تنها عنصر نیمه جان منطقه به شمار می آمد، و به نوعی قابلیت بازگشت به زندگی روزمره جوامع محلی منطقه را دارا بود، مورد مطالعات گسترده معماری در زمینه عناصر سازنده و نیز آرایه های تزئینی قرار گرفت. با بررسی تقدّم و تأخّر زمانی فضاها الحاقی، کیفیت سنجی تکنیک ساخت از یک سو و مطالعات مردم شناسی و هم چنین شناخت

جایگاه تاریخی ارزشمند این فضا در تجارب زیستی، حافظه خاطره‌ای و ریشه اعتقادی از سوی دیگر، صورت پذیرفت. از آن جا که این مجموعه با باورها و اعتقادات دینی جوامع حاضر در ارتباط می‌باشد، می‌تواند جهت بقاء و رونق، ضمن استحکام بخشی و مرمت اضطراری کالبد بنای امامزاده در مقوله برق رسانی و ایجاد شبکه روشنایی آن به عنوان امری ضروری جلوه نماید. تمامی موارد ذکر شده نقش تعیین کننده‌ای در احیاء این فضا و مجموعه مذهبی در اذهان مردم و مراجعت مجدد آن‌ها و نیز مقصد قرار دادن این مکان در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای امروزین اعتقادی جوامع محلی، در کنار جاذبه‌های طبیعی و تاریخی منحصر به فرد این دژ شهر داشته است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، در مقیاسی بزرگ تر تلاش گردید با بهره‌گیری از علوم باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و... و نیز متون تاریخی شناختی شفاف در خصوص این نقطه با بهره‌جستن از ویژگی‌های طبیعی مختلف در منطقه، شناخت عناصر مادی مرتبط همانند سیستم‌های زیر ساختی (راه‌های باستانی، شبکه انتقال آب، دیوارها، استحکامات دفاعی) و سایر عناصر و ارکان شهری و اما پراکنده که در مناطق پیرامونی متمرکز شده‌اند، که همگی این موارد در تعیین حدود و ثغور این حوزه فرهنگی فرهنگی - تمدنی و ثبت آن به عنوان نخستین نمونه در فهرست آثار ملی کشور تأثیر گذار بوده، و متعاقباً منجر به فراهم نمودن مقدمات ثبت جهانی این مجموعه گردیده است، مورد معرفی قرار گیرد. هم‌چنین این حوزه با توجه به این‌که اکنون با کاستی‌هایی در زمینه امکانات لازم جهت بسط صنعت گردشگری مواجه می‌باشد، اما توانسته نام منطقه طارم را در فهرست مناطق نمونه گردشگری کشور قرار دهد. در خاتمه با توجه به موارد مذکور می‌توان ناحیه سمیران و دژ آن را به عنوان مرکز مهم سیاسی در ادوار مختلف تاریخی که در منطقه، حضور داشته‌اند، معرفی نمود و اذعان داشت که این منطقه به جهت دارا بودن پتانسیل‌های زیست محیطی مناسب همواره شاهد شکل‌گیری تمدن‌ها و حکومت‌های مختلف بوده است، که نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی حکایت از این موضوع دارد. هم‌چنین نتایج مطالعات مردم‌شناسی و وجود صنایع دستی بومی که از بعد فرهنگی و تخصصی بسیار غنی می‌باشند، نشان از حضور منطقه‌ای مطرح همراه با پیشینه نسبتاً طولانی در تاریخ ایران دارد.

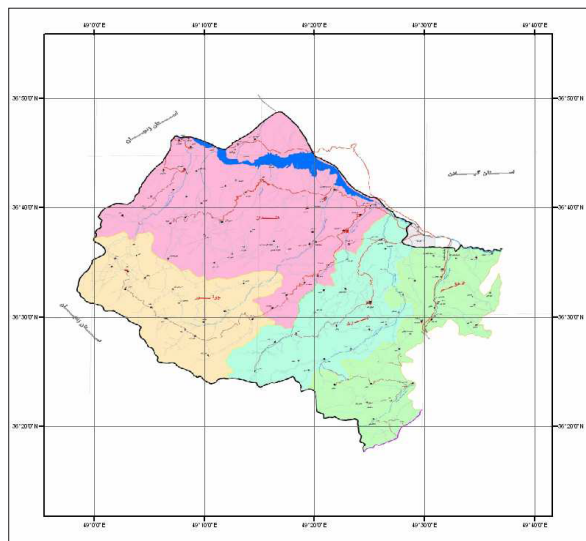
فصل ۱؛

محیط کالبدی - طبیعے

۱-۱ شناسایی بستر طبیعی و چگونگی شکل‌گیری منطقه طارم



نقشه شماره ۱: موقعیت منطقه فرهنگی - تمدنی طارم در کشور، و همجواری اش با استان‌های زنجان و قزوین



نقشه شماره ۲: نقشه جغرافیایی طارم سفلی نسبت به استان‌های همجوار.

در تقسیمات کنونی کشوری، شهرستان طارم یکی از شهرستان‌های هشت گانه در استان زنجان محسوب می‌شود. این شهرستان با سایر شهرستان‌ها نظیر زنجان و ابهر و همچنین استان‌های گیلان، قزوین و اردبیل همجوار می‌باشد (نقشه شماره ۱). در قسمت شرقی زنجان، بخش طارم سفلی قرار گرفته است. در واقع طارم سفلی از توابع استان قزوین به شمار می‌آید. منطقه طارم که در پژوهش حاضر به آن اشاره می‌نماییم، از شمال به رودبار زیتون، از غرب به طارم علیا و از جنوب به کوه‌های چرگز و از شرق به دهستان قاقازان محدود می‌گردد، مرکز این ناحیه فرهنگی - تمدنی نیز سیردان نام دارد. قابل ذکر است که حوزه طارم سفلی دارای ویژگی منحصر به فرد انسجام و انطباق کامل جغرافیای طبیعی و فرهنگی، تمدنی می‌باشد (نقشه شماره ۲).

دره جنوبی وسیع و نسبتاً هموار سلسله جبال البرز از یک سو و جریان دو رود دائمی و عظیم قزل اوزن و شاهرود از سویی دیگر، شرایط مطلوبی را جهت اسکان و حرکت ایجاد نموده است. گلوگاه طارم که در تقاطع دو رود و راه‌های فرا منطقه‌ای شمال به جنوب و غرب به شرق کشور قرار گرفته است، مرکزیتی مهم و ارزشمند را از لحاظ جغرافیای طبیعی و انسانی ایجاد نموده است (نقشه شماره ۳).

خندان و چوقور، حدود ۹۱ آبادی دارای سکنه و ۶۴ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. مراکز بخش روستایی (دهستان) طارم سفلی، سیاهپوش در خندان، حصار در چوقور، نیارک در نیارک و کوهگیر سفلی در کوهگیر می‌باشد. (آرشو فرمانداری استان قزوین).

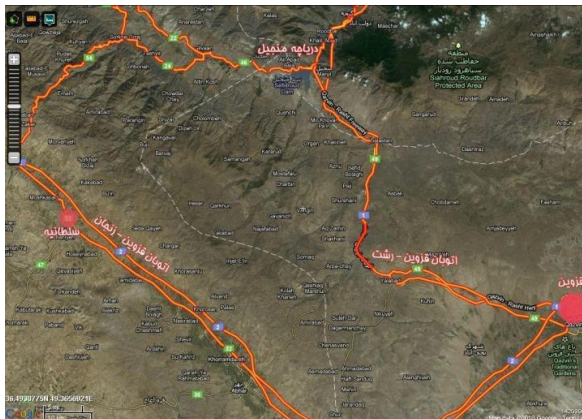
در خصوص وجه تسمیه آن نیز می‌توان عنوان نمود که بر حسب استناد به متون تاریخی و جغرافیایی واژه طارم از قدیم الایام بر این منطقه فرهنگی - تمدنی نهاده شده است. قدیمی ترین سندی که از واژه طارم در دست می‌باشد، متعلق به کتاب معجم البلدان به قلم یاقوت حموی است که با وجود معرفی منطقه با نام (طرم) عنوان می‌دارد: «... اهالی آن ناحیت را در زبان خود ترم تلفظ می‌کنند»، که در اصل این واژه همان طارم است که «الف» پس از حرف «ت» افتاده و فتحه جای آن را گرفته است. از خود واژه طارم نیز چنین استنباط می‌شود که پس از استیلای اعراب بر ایران و نفوذ آنان بر منطقه فرهنگی - تمدنی طارم، این جابه‌جایی در حروف اتفاق افتاده است و بسیار واضح است که حرف عربی «ط» جایگزین حرف «ت» شده است. چنانچه در بیشتر نقاط ایران این تبدیل و تغییر در اسامی اماکن و نیز اشخاص پس از ورود اعراب به ایران امری رایج بوده است. با توجه به موارد بسیاری که در خصوص نام طارم ذکر شده است، چنین استنباط می‌شود که از میان دو واژه طارم و طارم، از منظر تاریخی هویت کلمه طارم بر ما آشکار می‌باشد و کاربرد این واژه به جای واژه طارم که خود واژه‌ای معرب از طارم است، مناسب و صحیح می‌باشد.



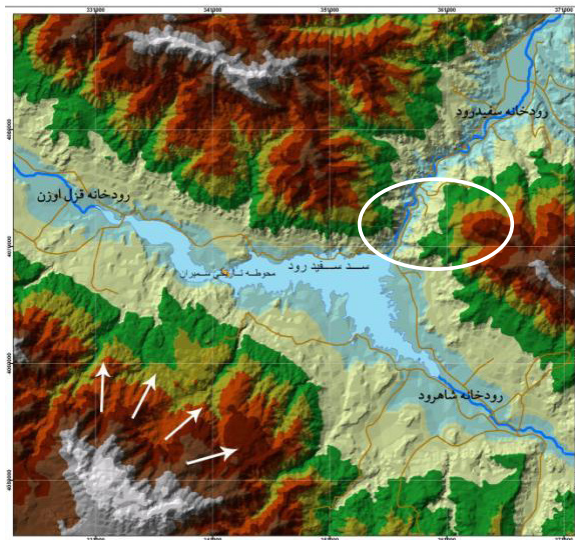
نقشه شماره ۳: مسیر شکل‌گیری گلوگاه طارم بر روی نقشه.

۱-۲ حدود حوزه فرهنگی - تاریخی طارم

همان‌طور که در قبل نیز به آن اشاره نمودیم، منطقه فرهنگی - تمدنی طارم از شمال به رودبارزیتون و از جهت غرب به طارم علیا و از سمت جنوب به کوه‌های چرگر و نیز از سمت شرق به دهستان قاقازان محدود می‌گردد. مرکز این منطقه فرهنگی - تمدنی نیز سیردان نام دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری که در سال ۱۳۸۲ صورت گرفته است، منطقه طارم سفلی دارای ۱۷۴۴ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد. این مساحت شامل یک شهرتحت عنوان سیردان، یک مرکزبخش با نام سیردان، چهار دهستان به نام‌های نیارک، کوهگیر،



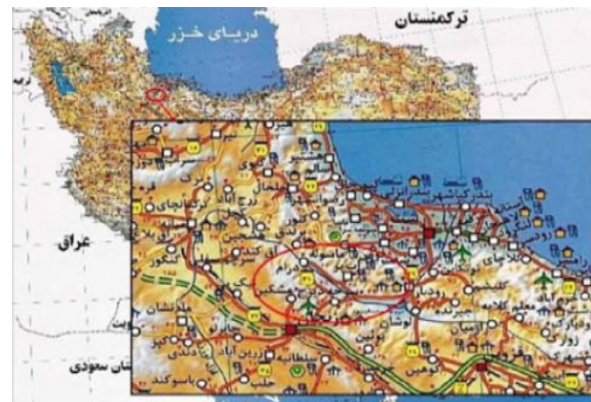
نقشه شماره ۵: نقشه راه‌های ملی پیرامون منطقه فرهنگی - تمدنی طارم.



نقشه شماره ۶: گره‌گاه (نقطه تلاقی راه‌ها و رودها) منطقه فرهنگی - تمدنی طارم بر روی نقشه.

۱-۳ اوضاع طبیعی طارم

منطقه کوهستانی طارم سفلی که در شمال غربی استان قزوین قرار داشته است، از جهت‌های شمال و شمال شرق به استان گیلان، از شمال غرب و جنوب به استان زنجان و از سمت شرق نیز به بخش کوهین قزوین محدود می‌شود. وسعت منطقه مذکور حدود ۱۷۴۴۷ کیلومتر مربع عنوان شده است. این منطقه از نظر مختصات جغرافیایی در عرض ۲۱، ۳۶ درجه و ۵۰، ۳۶ درجه و طول ۰، ۴۹ درجه و ۳۰، ۴۹ درجه، کیلومتر مربع می‌رسد، و دارای یک بخش مرکزی (شهر سیردان) و چهار دهستان به نام‌های خندان، نیارک، چوقور و کوهگیر می‌باشد. هم‌چنین دارای ۹۱ روستای مسکونی و ۶۴ روستای فاقد سکنه است (نقشه‌های شماره ۴ و ۵) (اعلمش، ۱۳۷۹: ۴-۱).



نقشه شماره ۴: موقعیت جغرافیایی و راه‌های دسترسی محدوده طارم.

اوج و هم‌چنین از شرق هم به منطقه آبیگ و طالقان محدود می‌گردد.

در این محدوده نسبتاً وسیع و گسترده که در حوزه آبریز دو رودخانه شاهرود در شمال و شور در جنوب واقع شده است، رسوب‌ها و سنگ‌های مختلفی از دوره پرکامبرین تا عصر حاضر با گستره‌های متفاوت، مشاهده می‌شود. هم‌چنین فعالیت‌های تکتونیکی و آتش فشانی ماگمایی در دوره‌های مختلف باعث وقفه یا گسترش نوع خاصی از رسوب‌ها و نهشت‌های مذکور در این منطقه شده است. در واقع دشت قزوین به عنوان یک حوزه میان کوهی فرو نشسته معرفی شده است، که به وسیله رسوب‌های تخریبی و فرسایش سیلابی، دریاچه‌ای و بادی، با اندازه و گستره‌های متفاوت، انباشته شده است.

ارتفاعات آبگرم و حوزه رودخانه خررود نیز که ادامه جنوب شرقی کوه‌های سلطانیه به شمار می‌آید و در مشرق به کوه‌های جنوب دشت قزوین و بویین زهرا ختم می‌گردد، شامل رسوبات پرکامبرین تا عصر حاضر می‌باشد. قابل ذکر است که بخش شمالی استان و حوزه آبریز شاهرود که از رودخانه الموت رود، طالقان رود، ملاعلی و تعدادی رودخانه کوچک تشکیل یافته است، و از جنوب به شمال در منطقه طارم سفلی به حوزه می‌پیوندند، در منطقه البرز قرار دارد، و از منظر ساختار زمین‌شناسی اختصاصات کامل منطقه البرز را دارا می‌باشد. این کوه‌ها از سلسله کوه‌های آلپ و هیمالیا به شمار می‌آیند که طی حرکات کوه زایی آلپی پایانی به شکل کنونی در آمده است. قدیمی ترین سازندهای زمین‌شناسی

از سیمای طبیعی منطقه فرهنگی - تمدنی طارم می‌توان به شدت و جهت شیب در پهنه گره‌گاه (راه‌ها و رودها) اشاره نمود. طارم منطقه‌ای مشرف به نقطه تلاقی در بند گیلان و آذربایجان محسوب می‌شود، که به آن چهار راه نیز گفته می‌شود. به گونه‌ای که راه فعلی گیلان نیز پس از گذر از تنها شکاف رشته کوه البرز در این نقطه به دو سمت زنجان (غرب) و قزوین (شرق) منشعب می‌گردد (نقشه شماره ۶).

در واقع بررسی جغرافیایی طبیعی منطقه فرهنگی - تمدنی طارم بیانگر پهنه بندی اقلیمی، پوشش گیاهی، واژه شناسی و تنوع گیاهان، تنوع جانوری و منطقه حفاظت شده و چشمه‌های بیلاقی و رودخانه‌ها می‌باشد، که همگی متعاقباً در عناوین مربوطه مورد معرفی قرار می‌گیرند.

۱-۳-۱ زمین‌شناسی منطقه فرهنگی - تمدنی طارم

جهت شناخت وضعیت زمین‌شناسی حوزه فرهنگی طارم، شناخت و آگاهی ساختار زمین ریخت شناسی استان قزوین ضرورت دارد. زیرا همان طور که از قبل نیز اشاره شد، منطقه طارم بخشی از استان قزوین محسوب می‌شود. لذا جهت شناخت اوضاع زمین‌شناسی منطقه مورد پژوهش، به ارائه اطلاعاتی نسبتاً جامع در خصوص منطقه قزوین می‌پردازیم. در واقع استان قزوین بین دو سیستم و ساختار زمین‌شناسی نسبتاً متفاوت البرز جنوبی و ایران مرکزی قرار گرفته است. این منطقه از شمال به کوه‌های البرز، از سمت غرب به کوه‌های سلطانیه و قیدار، از جهت جنوب نیز به کوه‌های خرقان و

دهنده بخش کوه‌های طارم دارای نیم رخ بسیار نامتقارنی بوده و یال شمال شرقی این کوه‌ها با شیب ملایمی به سمت حوزه منجیل ختم شده، ولی یال جنوب غربی آن‌ها با شیب تند در دشت زنجان - ابهر ناگهان منقطع می‌گردد. در مجموع می‌توان عنوان نمود که ارتفاعات طارم به صورت یک کمان ماگمایی بر لبه قاره‌ای البرز قرار دارد، و متأثر از جنبش‌های تکنونیک پس از دوران کرتاسه می‌باشد (همان: ۴۴-۲۴).

در خصوص چینه‌شناسی منطقه نیز می‌توان ادعان داشت که، قدیمی‌ترین سنگ‌های منطقه قزوین متعلق به دولومیت‌های عظیم پرکامبرین می‌باشند، که به نام تشکیلات سلطانیه شناخته می‌شوند. سن این سنگ‌ها معادل با پرکامبرین بوده و در بخش‌های آوج و آبگرم رخنمون دارند. سنگ‌های دوران اول زمین‌شناسی با کوارتزیت‌ها و ماسه سنگ‌های قرمز رنگ تشکیلات لالون شروع شده، که بر روی آن‌ها سنگ‌های آهکی و دولومیتی تشکیلات میلا قرار دارد. این سنگ‌های قدیمی در مناطق شمال دره الموت و آبگرم گسترش یافته اند (مهندسین مشاور شرق آیند، ۱۳۸۲: ۳).

• نهشت‌های دوران اول (پالئوزوئیک)

تشکیلات سنگی اواخر دوران اول در منطقه، دارای گسترش محسوسی بوده و تنها بیرون‌زدگی‌های کمی از تشکیلات آهکی روته و ماسه سنگ‌های تشکیلات دو رود در منطقه شمال شاهرود و شمال قزوین قابل رؤیت می‌باشد (مهندسین مشاور شرق آیند، ۱۳۸۲: ۴).

در استان مربوط به سنگ‌های پرکامبرین و پالئوزوئیک زیرین می‌باشد، که در طالقان و شمال دژ شاهرود رخنمون دارند (مهندسین مشاور شرق آیند، ۱۳۸۲: ۳۹-۳۸).

ایران در مطالعات زمین‌شناسی به بخش‌های گوناگون تقسیم شده است، و منطقه طارم سفلی در این تقسیم‌بندی، در بخش ساختاری البرز واقع شده است. اکثر سنگ‌های منطقه طارم را سنگ‌های آذرین دوران سوم زمین‌شناسی تشکیل می‌دهند، که بخش اعظم این سنگ‌ها، مربوط به سنگ‌های ولکانیکی و آذر آواره ائوسن می‌باشند، و بخش‌هایی از شمال و شمال شرق طارم را نیز سنگ‌های نفوذی و درونی پس از ائوسن تشکیل می‌دهند. سنگ‌های آتشفشانی و آذر آواره منطقه، دارای ترکیبی کالکو آلکالن بوده و تقریباً از شمال شرق به سمت جنوب غرب جوان تر تشخیص داده می‌شوند. سنگ‌های ولکانیک منطقه نیز از اسیدی تا شکل بازی متغیر بوده، ولی ترکیب اکثر آن‌ها میان هر دو این‌ها می‌باشد (مهندسین مشاور پی یاب، ۱۳۸۱: ۲۹۴-۲۹۳).

می‌توان عنوان نمود که کوه‌های طارم از سنگ‌های ولکانیک و نیمه ولکانیک ائوسن و گرانیت‌های دوران سوم تشکیل یافته است، و تغییر شکل تکنونیک ضعیف و غیر عادی از خود به نمایش می‌گذارد. هم‌چنین دشت مرتفع زنجان - ابهر، کوه‌های طارم را از کوه‌های باریک سلطانیه متمایز و جدا می‌نماید. این توالی یک الگوی گسل - بلوک و بخش گسله طولی مهمی را نشان می‌دهد، که سنگ‌هایی با سن پرکامبرین را بر روی سازندهای ترسیر، تراست کرده است. سنگ‌های تشکیل

• نهشت‌های دوران دوّم (مزوزوئیک)

نئوژن منطقه را تشکیل داده اند و شامل رسوبات دانه ریز قرمز رنگ، ماسه سنگ و مارن به همراه گچ و نمک به طور محلی می‌باشد (همان: ۳-۴).

• نهشت‌های دوران چهارم (کواترنری)

رسوبات آبرفتی دامنه ای، رسوبات سیلتی دشت قزوین و فوران‌های آتش فشانی محلی، نهشت‌های دوران چهارم منطقه را شامل می‌شوند. فوران‌های آتش فشانی فوق با ترکیب تراکیتی در منطقه شمال قزوین و الموت مشاهده می‌شوند. این فوران‌ها می‌تواند مربوط به فعالیت‌های ماگمایی دوران چهارم در البرز باشد (همان: ۴-۵).

در خصوص زمین‌شناسی ساختمانی منطقه، می‌توان اذعان داشت که محدوده فعلی استان تحت تأثیر تحولات دوران‌های مختلف زمین‌شناسی قرار داشته است. به نحوی که عوامل زمین ساخت موجب پیچیدگی قسمت‌های کوهستانی اطراف آن شده است. و نیز رسوبات دوران‌های مختلف در آن مشاهده می‌شود. منطقه قزوین بخشی از سیستم تکتونیکی پیچیده البرز مرکزی به شمار می‌آید، که خود قسمتی از نولد تکتونیکی فعال آلپ- هیمالیا می‌باشد. بر طبق مطالعات و مشاهدات می‌توان عنوان نمود که نفوذ مؤاد درونی همراه با فشارهای داخل زمین در پیدایش گسل‌های این استان نقش مؤثری داشته اند (حجی‌زاده، ۱۳۸۱).

هم‌چنین در خصوص زمین‌شناسی اقتصادی منطقه نیز می‌توان اذعان داشت که قدمت بهره برداری از مؤاد معدنی

دوران دوّم زمین‌شناسی در منطقه با تشکیلات آهکی الیکا و با سن تریاس آغاز گردیده و بر روی آن سنگ‌های تخریبی دانه ریز و ماسه سنگ‌ها و شیل‌های زغال دار تشکیلات شمشک قرار می‌گیرد. این تشکیلات در شمال قزوین، شمال آبیگ و آبگرم گسترش داشته است (همان).

• نهشت‌های دوران سوّم (سئوزوئیک)

پایان دوران دوّم با سنگ‌های ولکانیکی بازیک و رسوبات آهکی لایه‌ای بیو هرمی تشکیلات تیز کوه مشخص می‌گردد. این سنگ‌ها در بخش شمال قزوین دارای گسترش کمی بوده، اما در مناطقی نظیر آبگرم و آوج این تشکیلات نفوذ چشمگیرتری داشته است. مجموعه سنگ‌های پالئوژن، بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده اند. این سنگ‌ها متعلق به سازند کرج بوده و اغلب شامل گدازه‌ها، رسوب‌های آذر و آواری و مقادیر کمی از کنگلو مرا، ماسه سنگ، سنگ‌های آهک و ژیبس می‌باشد. سازند مذکور در بخش‌های غربی استان به حدّاكثر ضخامت خود رسیده و دارای روند غرب، شمال غرب تا شرق و جنوب شرقی می‌باشد. در بین رسوبات آذر آواری توده‌های نفوذی متعددی تزریق گردیده است. این توده‌های رسوبی دارای ترکیبات گرانودیوریتی، مونزونیتی و گابرویی بوده که در مناطقی نظیر طارم سفلی، تاکستان، قزوین و جنوب بوئین زهرا گسترش داشته اند. هم‌چنین رسوبات تخریبی و تبخیری بین کوهستانی در البرز، سنگ‌های دوره

که به شکل محلی تحت تأثیر نفوذی‌های جوان تر، به ویژه محلول‌های هیدروترمال به خوبی دگر سان شده اند. بدین جهت در این بخش ذخایری از مس پور فیری، سرب، روی، سیلیس، آلونیت، کائولن و طلا در خورانتظار است (آقا نباتی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۹۴).

۱-۳-۲ ویژگی‌های مهم زیست محیطی و جلوه‌های طبیعی

کوهستانی بودن موقعیت جغرافیایی منطقه فرهنگی-تمدنی طارم (خصوصاً طارم سفلی)، منجر شده تا این منطقه نه تنها دارای آب و هوای متفاوتی نسبت به دیگر نقاط اطراف باشد، بلکه پنج نوع اقلیم متفاوت نیز در بخش طارم سفلی شکل گرفته است که منجر به ظهور پوشش‌های گیاهی متنوعی در آن شده است. کوه‌های بلند طارم محل رویش مراتع و جنگل‌های نیمه انبوه و درخت زارهای نیمه متراکم می‌باشد. شیب تند و گاه ملایم این کوه‌ها محل مناسب برای رویش انواع گیاهان خودرو، هم‌چون گون، اسپرس و خارشتر، درختان و درختچه‌های منطقه، نظیر زالزالک، بلوط و ارس به شمار می‌آید. تنوع اقلیمی منطقه طارم در نوع و پراکنش درختان و گیاهان بسیار تأثیر گذار بوده، به طوری که دره‌ها و مسیر رودخانه و چشمه سارها، بیشتر محل رویش درختانی هم‌چون تبریزی، بید، سپیدار و انواع درختان میوه هستند. در صورتی که در ارتفاعاتی که آب آن از بارش فصلی تأمین می‌شود، وضع به گونه‌ای دیگر است و در این مناطق شاهد رویش مراتع

در منطقه قزوین بسیار طولانی بوده، که این موضوع با کشف کوره‌های ذوب مس و سرباره‌های مربوط به آن در حوالی روستای سگزآباد بوئین زهرا با قدمتی در حدود ۴۹۰۰ پ.م به اثبات رسیده است، و نیز منطقه قزوین که در دامنه‌های جنوبی البرز جای گرفته از لحاظ اقتصادی دارای کانی‌هایی از مواد معدنی مختلف نظیر ذخایری از سیلیس، آلونیت (زاج سفید)، کائولین و خاک‌های صنعتی، زغال سنگ، گچ و نمک، سنگ‌های آهکی، سرب و روی و مس، منگنز، آهن و بوکسیت و باریت می‌باشد. به طوری که می‌توان عنوان نمود ذخایر غنی آهک و مارن آبیک باعث ایجاد کارخانه بزرگ سیمان در این منطقه از قزوین شده است (همان).

با توجه به الگوهای اکتشافی بین‌المللی و ناحیه‌ای با بهره‌گیری از داده‌ای ماهواره‌ای و به صورت مطالعات زمین‌شناسی، اکتشافات ژئوشیمیایی، زمین‌شناسی اقتصادی و ژئوفیزیک هوایی به طور هم‌زمان در چهار چوب پنج ساله سوم در شهرریور ۱۳۸۰ و با تلفیق نتایج حاصل از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS انجام گردیده، که در نتیجه آن، دو بخش کشف گردیده است. این دو بخش بخش‌های «الف» و «ب» نام دارند. بخش اکتشافی «الف» همان منطقه طارم است که یکی از پهنه‌های بیست‌گانه کانی داری است که از سمت شرق زنجان آغاز و در یک روند شمال غربی تا حاشیه شمالی استان قزوین ادامه می‌یابد. در بیشتر بخش‌های منطقه فرهنگی-تمدنی طارم، رخنمون‌های زمین‌شناسی از نوع پیرو کلاستیک‌های سبز رنگ ائوسن (سازند کرج) همراه با روانه‌های خروجی قرار دارد،

صد سال در روستاهای شیزرو و سیردان از جمله شاخص‌های طبیعی منطقه محسوب می‌گردد. رویش عمده منطقه، غالباً مرتعی و بوته زار می‌باشد، به نحوی که خانواده کمپوزیته گل مینا، گرامینه و بقولات، غالب پوشش گیاهی منطقه را تشکیل می‌دهند. اما اگر بخواهیم از منظر کاربری و پوشش، اراضی منطقه را معرفی نمائیم؛ می‌توان به صورت‌های زیر تقسیم‌بندی نمود:

الف. اراضی زراعی که خود موارد زیر را شامل می‌شود:

- ۱- مخلوط زراعت و باغ: اراضی روستاهای شمال طارم دارای اراضی زراعی مخلوط زراعت و باغ می‌باشند.
- ۲- مجتمع‌های درخت و باغات: در اراضی روستاهای شمال، مرکز و شرق منطقه، اغلب اراضی درختی و باغات قابل مشاهده هستند.
- ۳- زیتون‌کاری: بخشی از اراضی روستاهای شمال طارم و مرکز آن دارای این نوع زراعت هستند.

ب. اراضی مرتعی که خود شامل موارد زیر می‌شوند:

- ۱- مراتع نیمه متراکم: شامل قسمت اعظمی از اراضی شمال و جنوب (رودخانه قزل اوزن را شامل می‌شود و تقریباً یک سوّم منطقه طارم دارای اراضی مرتعی نیمه متراکم می‌باشد.)
- ۲- اراضی مخلوط مرتع و دیم: شامل بخش بزرگی از اراضی جنوبی رودخانه شاهرود و سد منجیل و جنوب غربی منطقه طارم سفلی و دامنه‌های شمالی کوه‌های سندان داغ است.

و درختان بلوط، ارس و ... هستیم. پراکنش رویش گیاهان و درختان در منطقه طارم، از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است و این از تنوع اقلیمی آن سرچشمه می‌گیرد. چنان‌که اگر برخی از مناطق طارم دارای پوشش جنگلی مناسب هستند، بعضی مناطق دیگر پوشش استپی و مرتعی دارند، و برخی مناطق هم فاقد پوشش گیاهی و جنگل مناسب می‌باشند. در ارتفاعات شمال غرب و جنوب طارم سفلی، جنگل و مرتع در کنار هم دیده می‌شوند، و این مناطق نسبت به مناطق کم ارتفاع طارم بارندگی بیشتری را دارا می‌باشند، و با شروع فصل گرما به تدریج این گیاهان خشک می‌شوند. روند خشک شدن فصلی مراتع و چمنزارها به گونه‌ای است که، کشاورزان و دامداران به ویژه دامداران کوچرو اقتصاد معیشتی خویش را با آن هماهنگ و سازگار می‌نمایند. ارتفاعات منطقه، بیلاق این مردم شمرده می‌شود و دامداران کوچرو در فصل بهار تا اواسط پاییز در این ارتفاعات به سر می‌برند و با شروع فصل سرما به مناطق گرمسیر و کم ارتفاع منطقه طارم نقل مکان می‌نمایند (طرح مطالعات شناسایی منابع زیرزمینی محدوده مطالعاتی طارم- منجیل، ۱۳۸۴).

هم‌چنین در خصوص پوشش گیاهی منطقه، می‌توان به جنگل‌های بلوط و جامعه تنک و متراکم ارس (نوعی درخت) اشاره نمود، که در بخش‌های کوچکی از منطقه قرار گرفته‌اند. پوشش عمده علفی منطقه، همان‌طور که در قبل نیز ذکر شد، اغلب از خانواده گرامینه و بقولات یعنی انواع گون، خارشتر و اسپرس می‌باشد. وجود درختان کهنسال با قدمت چند

شده و دامنه شمالی کوه یوک داش تا ارتفاع ۲۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد، پوشش متراکم درختان بلوط محسوس می‌باشد.

۳- جامعه ارس ارتفاعات قلالو و مصطفی لو؛ در ارتفاعات غربی روستای قلالو و مصطفی لو، جامعه تنک و متراکم درختان ارس با نام علمی *Juni perus - poly carps* مشاهده می‌شود. پراکنش درختان مذکور در منطقه طارم سفلی از ارتفاع ۲۰۰۰ - ۱۵۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد و به صورت تنک می‌باشد.

۴- جامعه درختان زالزالک: این نمونه‌ها در اغلب ارتفاعات منطقه طارم مشاهده می‌شوند.

هم‌چنین در منطقه مذکور گیاهانی از خانواده‌های زیر نیز مشاهده می‌شوند: پرسیاوشان، سیرکوهی، تریاکی، کمپوزیته گل مینا، زرشک، نعناعیان، آلاله، علف هفت بند، کلاه میر حسن، بارهنگ، گل چای، شمعدانی، گزنه، لوئی، ثعلب، پنیرک، کتان، شب بو، قنطریون، شاه تره، بلوط راش، ریش بز، سنجد، گل گاوزبان، میخک، اسفنجیان، گل حسرت و گل میمون (اعلمش، ۱۳۷۹: ۴۲-۱) (نقشه شماره ۷).

حوزه فرهنگی طارم سفلی به جهت دارا بودن شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی مناسب دارای انواع گونه‌های حیوانی از خزندگان گرفته تا پستانداران و پرندگان نیز می‌باشد. می‌توان عنوان نمود که این منطقه از نظر گونه‌های جانوری یک منطقه غنی به شمار می‌آید. در آن جا حیواناتی از قبیل پازن،

ج. اراضی جنگلی و بیشه زار؛ شامل بخش بزرگی از حاشیه شرقی رودخانه سنگان در ارتفاع ۲۰۰۰ - ۱۰۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد (از امام زاده یحیی تا روستای حسین آباد) و حاشیه شرقی رودخانه قوشچی در ارتفاع ۱۵۰۰ - ۱۰۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد می‌باشد.

د. اراضی بایر؛ در حاشیه جنوبی سد منجیل (محل تلاقی دو رودخانه بزرگ شاهرود و قزل اوزن)، در قسمتی از جاده ارتباطی لوشان - کلج، در منطقه سیاه پوش، شاهد حجم زیادی از شن‌های روان هستیم که ناشی از فرسایش خاک در طول ۳۵ سال و انباشته شدن آن در مخزن سد منجیل است، که باعث گردیده تا در زمانی که دبی ورودی با دبی خروجی هماهنگی نداشته و بستر دریاچه سد منجیل خشک شده، دشت وسیع ماسه‌ای در منطقه به وجود آید.

گفتنی است که منطقه طارم سفلی به لحاظ پوشش جنگلی تا حدودی ضعیف است ولی درخت زارهای عمده و مشهور منطقه عبارتند از:

۱- جنگل بلوط حسین آباد و حسن آباد: ارتفاعات شرقی دره سنگان و شرق روستای حسین آباد و ارتفاعات غرب شهر سیردان تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد با پوشش متراکم درخت زارهای بلوط با نام علمی *Quercus Marcanthero* وجود دارد که یکی از مهم‌ترین ذخیره گاه‌های جنگل بلوط استان به شمار می‌رود.

۲- جنگل بلوط علی آباد: در جنوب روستای علی آباد واقع

می توان عنوان نمود که تاکنون شناسایی جامع و گسترده‌ای در خصوص پرنندگان و گونه‌های موجود در منطقه طارم سفلی صورت نگرفته است. طبق اطلاعات موجود در کتاب پرنندگان ایران، سه فاکتور در خصوص مطالعه پرنندگان اهمیّت دارد: ۱. پرنندگانی که فقط در منطقه، زاد و ولد می‌کنند. ۲. پرنندگانی که در منطقه، زمستان خود را می‌گذرانند. ۳. پرنندگانی که در منطقه، زاد و ولد می‌کنند و زمستان خود را می‌گذرانند. از پرنندگان منطقه طارم که برخی از فاکتورهای ذکر شده بالا را دارا می‌باشند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تیهو، در تپه ماهورهای سنگی و کم ارتفاع و یا بلند طارم وجود دارند و کبک معمولی بیشتر در ارتفاعات شمه دشت، حسن آباد و دیگر ارتفاعات و جنگل‌های طارم زندگی می‌کنند. عقاب طلایی، در ارتفاعات طارم، دال در صخره‌ها و کوه‌های مرتفع، لیل از خانواده شاهین که بیشتر در مناطق پر درخت و بی‌شاه‌ای طارم مشاهده می‌شوند (همان: ۶۳-۵۱). قابل ذکر است گونه‌های متعددی از خزندگان نیز در طارم زندگی می‌کنند، که مطالعه صورت گرفته در مورد آن‌ها ناقص می‌باشد. برخی از این خزندگان شامل: مارهای غیر سمی نظیر: تور مار تاتالی، مار چلیپر، مار آتشی، قمچه مار، مار پلنگی، مار شتری، مار شلاقی، مار کوتوله، تیرک مار و مارهای نیمه سمی نیز شامل: مار افعی البرزی و مار افعی زنجانی است (نقشه شماره ۸).

دو زیستان موجود در منطقه طارم نیز به مانند برخی از انواع جانوران به خوبی مورد مطالعه واقع نشده اند. دوزیستان این

که در دربندهای کلج، سنگان، کنگاور، قوشچی و مصطفی لو یافت می‌شوند. پلنگ، در ارتفاعات مرکزی منطقه، کوه‌های شمه دشت و دربندهای مرکزی منطقه و خرس قهوه‌ای در ارتفاعات شمه دشت، کنگاور، جنگل‌های حسین آباد و حسن آباد یافت می‌شود. قوچ ارمنی در ارتفاعات جنوبی منطقه طارم سفلی نظیر کوه سرین باسار، سندان داغ و علی آباد و حیواناتی مانند گرگ و شغال و گراز که در سرتاسر منطقه به چشم می‌خورند. سایر پستانداران منطقه طارم سفلی عبارتند از: خار پشت اروپایی، حشره خوار دندان سفید، خفاش نعل اسبی بزرگ، خفاش سبیل دار، روباه معمولی، راسو، سمور، گربه وحشی و

